

# آسیب‌پذیری دانش‌آموزان

نقش آموزش و پرورش و معلم  
در کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی

محمد خلیلی شله‌بران

کارشناس ارشد علوم اجتماعی، استان  
آذربایجان شرقی، شهرستان اهر

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش و پرورش و معلم در کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان انجام گرفته است. «روش پژوهش» توصیفی - پیمایشی، «ابزارهای گردآوری داده‌ها» شامل سؤالات جمعیت‌شناختی، مقیاس خطرپذیری و پرسش‌نامه استاندارد مهارت‌های زندگی، «جامعه آماری» شامل تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های متوسطه اول و دوم و هنرستان‌های شهرستان اهر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ و «نمونه آماری» ۳۵۰ نفر بوده است. نتایج نشان دادند، آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران شهرستان اهر است. همچنین معلوم شد که میزان اهمیت‌دهی به اجرای «طرح مدارس مراقب» توسط مدیران و معلمان، در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه مؤثر بوده است. از سوی دیگر مشخص شد، آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان و نظارت مدرسه، در کنترل رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مؤثر است. ناآگاهی دانش‌آموزان از مهارت‌های زندگی، ریشه اغلب آسیب‌پذیری‌های اجتماعی آن‌هاست.

کلیدواژه‌ها: آسیب اجتماعی، دانش‌آموز، مدارس مراقب، مهارت‌های زندگی

## بیان مسئله

بررسی رفتارهای پرخطر که پیامدهایی ناگوار برای زندگی، سلامتی و رشد روانی و اجتماعی نوجوان به همراه می‌آورد، دارای اهمیت است. برخی از این پیامدها عبارت‌اند از: بیماری‌های روانی مانند افسردگی (گلدستین، والتون، کانینگهام، تروبرج و مایو، ۲۰۰۷)، ایدز و بیماری‌های جنسی (مارکویز و گالین، ۲۰۰۴)، انگیزه پایین تحصیلی و شکست تحصیلی (جنیس، ۲۰۰۲) و درگیری در جرائم گوناگون. مصرف مواد مخدر، خشونت و رفتارهای جنسی عامل بسیاری از مرگ و میرهای سنین نوجوانی و اوایل بزرگسالی محسوب می‌شوند (لیندربرگ، بوگس و ویلیامز، ۲۰۰۰).

**گازمن و بوش (۲۰۰۷)** نیز چند عامل را که نوجوانان را مستعد رفتارهای پرخطر می‌سازد، شناسایی کرده‌اند: در سطح فردی، کسانی که از توانایی‌ها آگاهی ندارند، کسانی که عزت نفس پایینی دارند، کسانی که در گروه‌های منفی هم‌سالان عضویت دارند، و کسانی که تعهد مدرسه‌ای ضعیفی دارند. عوامل دیگری مانند ارتباط والد-فرزندی ضعیف، نظارت والدینی ضعیف (مانند والدینی که از محل نوجوانان خود بی‌خبرند) و فقدان حمایت خانوادگی نیز مطرح هستند. شگفت‌انگیز نیست، وقتی والدین خودشان به رفتارهای پرخطر اشتغال دارند، نوجوانان نیز به رفتارهای پرخطر دست بزنند. با وجود جو مدرسه‌ای ضعیف، وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف، و فقدان یا ضعف روابط اجتماعی، نوجوانان بی‌سرپرست در خطر بیشتری برای داشتن رفتارهای منفی هستند. نتایج تحقیقات داخلی و خارجی در خصوص آسیب‌های اجتماعی و خطرپذیری نشان می‌دهد که ماهیت، نوع، شدت و روش ارتکاب انحرافات در میان دانش‌آموزان پیچیده شده و روند افزایشی داشته است. عوامل خانوادگی، نظیر فرایند ناقص جامعه‌پذیری در خانواده، کنترل ضعیف خانوادگی، روابط سرد عاطفی بین اعضای خانواده، گسیختگی خانوادگی، شکاف نسلی بین فرزندان و والدین، پایگاه پایین اقتصادی و اجتماعی خانواده، کاهش تعلق خاطر به مدرسه، بی‌اعتقادی به هنجارهای رسمی مدرسه، مشارکت نکردن در فعالیت‌های مدرسه و گروه هم‌سالان، کارایی نداشتن مدرسه، رسانه‌های جمعی و خانواده در جامعه‌پذیر کردن و کنترل دانش‌آموزان، روحیه کنجکاوی جوانان، و ابهام هویتی، زمینه‌ساز گرایش آنان به رفتارهای انحرافی است.

جلوگیری از علل و عوامل و بروز این آسیب‌ها به برنامه‌ریزی نهادهای مرتبط با کودکان و نوجوانان در آموزش و پرورش نیاز دارد. تدوین پیش‌نویس سند پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان شاید با همین احساس مسئولیت شکل گرفت. یکی از راه‌های پیش‌بینی شده در این سند آموزش اصول مهارت‌های زندگی در مدرسه و توسط معلمان است. بیشتر تحقیقات حاکی از آن هستند که آگاهی از مهارت‌های زندگی و آموزش

آن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نقش مهمی دارد.

## مروری بر پیشینه پژوهش

یافته‌های یک پژوهش انجام شده در وزارت آموزش و پرورش (۸۳ - ۱۳۸۲) نشان می‌دهند، چند اختلال و آسیب چشمگیر بوده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از:

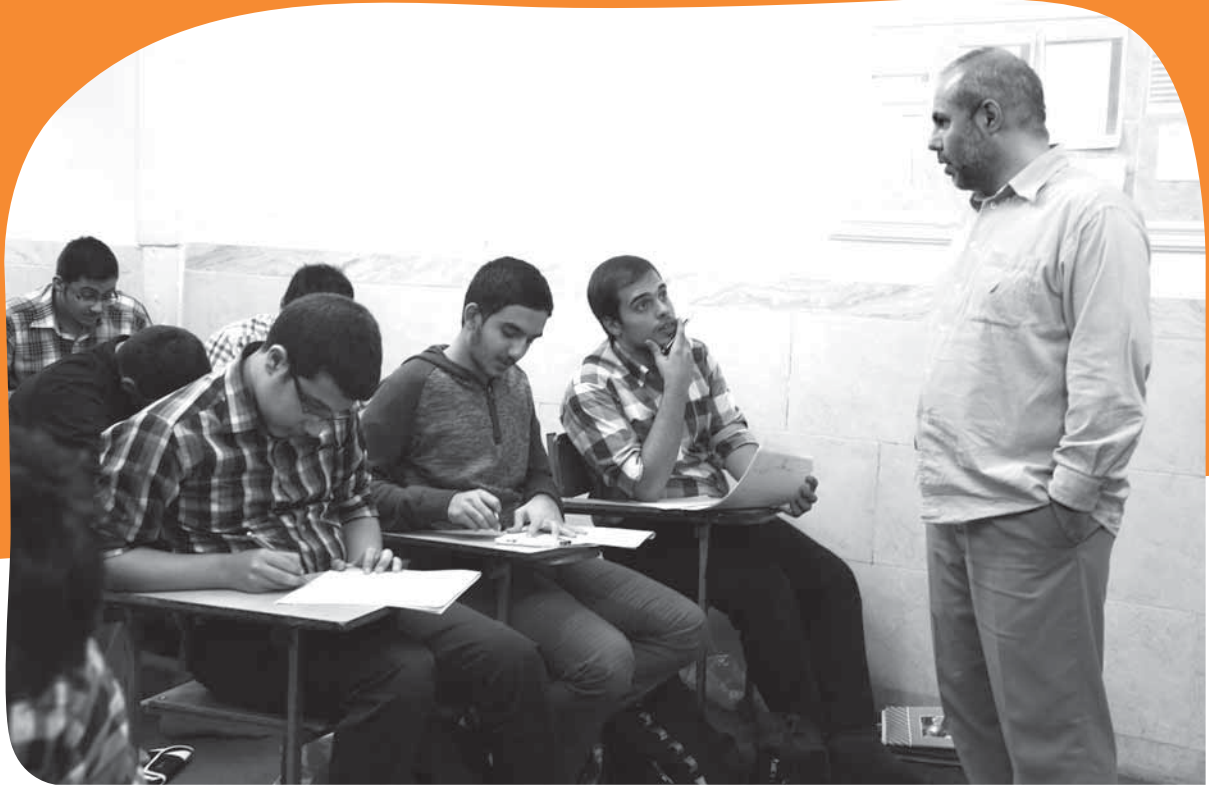
۱. رابطه با جنس مخالف
۲. فرار از منزل و مدرسه
۳. ضرب و جرح و درگیری
۴. خودکشی
۵. سایر موارد مثل اعتیاد و تقلب.

طبق یافته‌های **سختاوت (۱۳۸۱)** در بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان، ناهنجاری دانش‌آموزان، در مدرسه و بیرون از مدرسه، ریشه‌های مشترکی دارند و نباید آن‌ها را دو پدیده جدا از هم دانست. داشتن روابط مطلوب در محیط خانواده و مدرسه، پنداشت از خود دانش‌آموز، پنداشت از درآمد خانواده، شغل پدر، پنداشت از نظم مدرسه، توفیق در کار مدرسه و جنسیت، به‌عنوان عوامل تأثیرگذار در ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان در مدرسه، و برخی متغیرها مانند توفیق تحصیلی، جنسیت و پیوند با مادر، در ناهنجاری‌های رفتاری در بیرون مدرسه اهمیت بیشتری دارند.

**آزاد (۱۳۸۸)** در بررسی ناهنجاری‌های رفتاری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن دریافت: عواملی مانند سن، جنس، وضعیت تحصیلی و خودپنداره، کیفیت مادی خانواده، نوع مسکن، میزان پیوستگی با والدین و کنترل و نظارت خانواده، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نوع دوستان، و نوع پنداشت از جامعه، معلم، مدیر و معاونان مدرسه، عوامل تأثیرگذار بر ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان شهرستان اردبیل بوده‌اند.

**خسرو (۱۳۹۴)** در بررسی رفتارهای پرخطر بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران دریافت که تجربه کشیدن قلیان و سیگار و کتک‌کاری در بیرون از خانه، به ترتیب همه‌گیرترین رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان بودند. ضمن اینکه میانگین رفتارهای پرخطر در پسران بیشتر از دختران بود و تفاوت معناداری میان میزان رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان پایه‌های گوناگون در قومیت‌های متفاوت وجود ندارد.

یافته‌های پژوهش **احمدی و همکارانش (۱۳۸۸)**، با عنوان «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی»، حاکی از آن است که گروه‌های هم‌سالان در تقویت رفتار بزهکارانه جوانان از اهمیت زیادی برخوردارند. با این حال، تقویت هویت مذهبی جوانان می‌تواند به کاهش میزان بزهکاری کمک کند. در واقع، دین به‌عنوان یک کنترل‌کننده اجتماعی، جلوی بسیاری از رفتارهای بزهکارانه دانش‌آموزان را می‌گیرد. همچنین کاهش محتوای خشونت‌آمیز



انجام یافته، به تناسب موضوع و هدف بررسی آن‌ها، یک یا چند بعد از آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌ها و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان یا نوجوانان و جوانان، و نیز علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها، به‌ویژه نقش خانواده، گروه‌های هم‌سال، عوامل شخصیتی و روانی و مانند آن بررسی شده، اما نقش و تأثیر آموزش و پرورش، مدرسه و معلم به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار و کاهنده آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تاکنون به‌طور وسیع مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا فرض بر این است که بخشی از کل واریانس آماری و تغییرات آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تحت تأثیر متغیرهای مربوط به برنامه‌های در حال اجرا و اجرا شده توسط مدرسه‌ها و معلمان است که به آن‌ها توجه نشده است.

### روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه انجام گرفت و واحد تحلیل در آن فرد بود. پس از بررسی منابع و ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق، چارچوب نظری مناسبی تهیه شد و به تناسب متغیرهای مطرح شده در فرضیه‌ها، ابزارهای اندازه‌گیری مشخص شدند. جامعه آماری در این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های متوسطه اول و دوم و هنرستان‌های شهرستان اهر در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود. نمونه آماری شامل ۳۴۲ نفر بود که با در نظر گرفتن احتمال

برنامه‌های رسانه‌های جمعی می‌تواند به کاهش بزهکاری بینجامد. حسنی (۱۳۷۹) تحقیقی را با عنوان «میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره راهنمایی و روش‌های مقابله با آن» در شهر مشهد انجام داد. نتایج این بررسی نشان داد که ناهنجاری‌های رفتاری، همچون گوش دادن به موسیقی غیرمجاز، رفتارهای خشونت‌آمیز، دروغ گفتن، غیبت کردن، تماشای فیلم‌های غیرمجاز و رابطه با جنس مخالف، در میان دانش‌آموزان بیشترین فراوانی را دارد. دانش‌آموزان پسر بیش از دانش‌آموزان دختر ناهنجاری رفتاری داشتند. میزان ناهنجاری‌ها در خانواده از هم پاشیده و آسیب دیده بیش از خانواده‌های دیگر بود.

جیلز (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «بزهکاری با تأکید بر (خشونت، سرقت و وندالیسم) در میان نوجوانان دبیرستان آلبرتا»، با نمونه آماری ۱۸۲ نوجوان ۱۹-۱۵ ساله که ۸۴ نفر دختر و ۹۸ نفر پسر آن‌ها بودند، از طریق پرسش‌نامه دریافت که در زمینه بزهکاری، یگانگی (همدلی)، کنترل انگیزشی و تعهدات اجتماعی متغیرهای کلیدی محسوب می‌شوند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین یگانگی و کنترل انگیزشی با خشونت و وندالیسم رابطه معناداری وجود دارد، اما بین تعهدات اجتماعی و سه رفتار بزهکاری مورد تأکید رابطه معناداری مشاهده نشد (جیلز، ۲۰۰۶).

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که در تحقیقات

**جدول ۲.** آزمون هم‌بستگی بین اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان

اجرای طرح مدرسه‌های مراقب	رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان
ضریب هم‌بستگی	-۰/۶۴
سطح معناداری	۰/۰۰۰

جدول ۲ نشان‌دهنده نتایج به دست آمده از آزمون هم‌بستگی رابطه بین اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و نابهنجاری رفتاری دانش‌آموزان است. براساس نتایج آزمون، یک هم‌بستگی قوی معکوس بین اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان وجود دارد. یعنی هرچه طرح مراقبت دانش‌آموزان بیشتر شود، نابهنجاری‌های رفتاری و رفتار پرخطر آن‌ها کاهش می‌یابد.

**فرضیه ۳.** آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان در کاهش رفتارهای پرخطر (آسیب‌های اجتماعی) دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

برای بررسی رابطه دو متغیر فوق (مهارت‌های زندگی و رفتارهای پرخطر) از «ضریب هم‌بستگی پیرسون» استفاده شد.

**جدول ۳.** همبستگی بین آموزش مهارت‌های زندگی و آسیب‌پذیری اجتماعی (رفتارهای پرخطر) دانش‌آموزان

آموزش مهارت‌های زندگی	آسیب‌پذیری اجتماعی
ضریب هم‌بستگی	-۰/۴۷
سطح معناداری	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از ضریب هم‌بستگی پیرسون نشان داد، بین مهارت‌های زندگی و آسیب‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان از رفتارهای پرخطر هم‌بستگی معکوس معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش نمره‌های فرد در عامل کلی مهارت‌های زندگی، نمره آسیب‌پذیری از رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

**فرضیه ۴.** نظارت در مدرسه در کنترل رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

براساس یافته‌های جدول ۴، بین متغیر «میزان نظارت در مدرسه» و «میزان رفتار پرخطر دانش‌آموزان» رابطه قوی و معکوس معنادار وجود دارد. هم‌بستگی معکوس بین رفتار پرخطر دانش‌آموزان و میزان نظارت در مدرسه (توسط معلم، مدیر و معاون) بر رفتار دانش‌آموزان برابر با  $r = 0/58$  است.

برگشت داده نشدن و یا مخدوش بودن برخی از پرسش‌نامه‌ها، تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده به ۳۶۰ عدد افزایش داده شد. از این تعداد، ۳۵۰ پرسش‌نامه برای تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. همچنین در پژوهش حاضر از شیوه نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا از میان مدرسه‌های شهرستان، مدرسه‌هایی که طرح‌های مراقبت از آسیب‌ها را اجرا می‌کردند، انتخاب شدند و در مرحله بعد، از هر مدرسه یک پایه تحصیلی و از هر پایه یک کلاس به‌طور تصادفی ساده انتخاب شد. ابزارهای گردآوری داده‌ها در این مطالعه شامل سؤالات جمعیت‌شناختی، مقیاس خطرپذیری و پرسش‌نامه استاندارد مهارت‌های زندگی بود. در مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی، ۳۸ گویه برای سنجش آسیب‌پذیری نوجوانان در مقابل رفتارهای پرخطر، از قبیل خشونت، سیگار کشیدن، مصرف مواد مخدر و... مطرح شده است. این مقیاس با جرح و تعدیل «پرسش‌نامه خطرپذیری نوجوانان» (گالونه، مور، موس و بوید، ۲۰۰۰) و «پرسش‌نامه سیستم کنترل رفتار پرخطر جوانان» (برنر، کان، کینچن، گرامام، والن و همکاران، ۲۰۰۴)، با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی و محدودیت‌های اجتماعی جامعه ایرانی، «مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی» توسط **زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۸)** ساخته شد. پاسخ‌گویان در مقابل هفت دسته رفتارهای پرخطر وضعیت خود را در یک مقیاس پنج گزینه‌ای، از تقریباً همیشه (۵) تا هیچ‌وقت (۱)، بیان کرده‌اند.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

**فرضیه اول.** آسیب‌های اجتماعی (رفتارهای پرخطر) در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر است.

**جدول ۱.** میانگین و انحراف استاندارد آسیب‌های اجتماعی در دو جنس

جنس	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پسر	۳۹	۱۸/۲	۱۶/۸۷	۳۴۷	۰/۰۰۰۱
دختر	۱۹/۵	۱۴/۸			

مقدار  $t = 16/87$  با درجه آزادی ۳۴۷ در سطح معناداری  $z = 0/0001$  از لحاظ آماری معنادار شده است. بنابراین فرضیه صفر با احتمال ۹۹ درصد رد می‌شود و فرضیه تحقیقی تأیید می‌شود. یعنی بین دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ آسیب‌های اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. لذا می‌توان گفت که آسیب‌های مذکور در پسران بیشتر از دختران است.

**فرضیه ۲.** میزان اجرای طرح مدرسه‌های مراقب در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول مؤثر بوده است.

جدول ۴. ماتریس هم‌بستگی پیرسون بین رفتارهای پرخطر و نظارت در مدرسه

متغیر	نظارت در مدرسه	رفتار پرخطر	دخانیات	خشونت	مواد مخدر	سایر موارد	روابط ناسالم	رانندگی خطرناک
نظارت در مدرسه	۱							
رفتار پرخطر	-۰/۵۸**	۱						
دخانیات	-۰/۷۴**	۰/۴۲**	۱					
خشونت	-۰/۳۷**	۰/۵۶**	۰/۳۲**	۱				
مواد مخدر	-۰/۶۴**	۰/۳۴**	۰/۴۷**	۰/۳۴**	۱			
الکل	-۰/۵۶**	۰/۴۲**	۰/۱۳	-۰/۳۱**	۰/۴۳**	۱		
روابط ناسالم جنسی	-۰/۴۲**	۰/۵۱**	۰/۶۵**	۰/۴۶**	۰/۳۶**	۰/۳۴**	۱	
رانندگی خطرناک	۰/۱۶	۰/۶۴**	۰/۴۳**	۰/۷۲**	۰/۲۸*	۰/۳۳**	۰/۴۵**	۱

همچنین براساس نتیجه آزمون هم‌بستگی پیرسون معلوم شد که میزان اهمیت‌دهی به اجرای طرح مدرسه‌های مراقب توسط مدیران و معلمان، در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه مؤثر است. لذا مدیران مدرسه‌ها با اجرای این طرح در مصونیت‌بخشی به دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی، سوءمصرف مواد و رفتارهای پرخطر (گرایش به دخانیات، سوءمصرف مواد، خشونت و روابط ناسالم جنسی)، آسیب‌های نوپدید (تلفن همراه و فضای مجازی)، دزدی و بزهکاری، و عوامل مخاطره‌آمیز دیگر، از طریق مشارکت و همیاری اجتماعی تا حدی موفق بوده‌اند. آن‌ها سعی دارند با اجرای برنامه‌های متعدد در قالب‌های متنوع آموزشی، فرهنگی و ترویجی، از قبیل اجرای کارگاه‌های آموزشی، برگزاری جشنواره‌ها، برپایی نمایشگاه‌ها، و ارائه محصولات فرهنگی - آموزشی آسیب‌های رفتاری و پرخطر دانش‌آموزان را تا حد مقدور کنترل کنند.

آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان در کاهش رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این یافته با یافته‌های گورمن (۲۰۰۲)، و بوتین و همکارانش (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد. در این تحقیقات نیز آشکار شد که آگاهی از مهارت‌های زندگی، به‌عنوان عاملی محافظت‌کننده در پیشگیری و یا کاهش سوءمصرف مواد، نقش مهم و مؤثری دارد. زیرا با آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، دانش‌آموزان هم از ارزشیابی خود از رفتارهای پرخطر آگاه می‌شوند و هم به‌طور مستقیم در مقابله با نگرش‌های معلمان درباره آسیب‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از این‌رو، آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان در مدرسه، مهارت‌های فردی

وجود رابطه قوی و معنادار بین مؤلفه‌ها رفتارهای پرخطر و مشکل‌ساز نشان می‌دهد که این رفتارها در نوجوانان با یکدیگر به شده همبسته‌اند. رفتارهای مشکل‌ساز، مانند قتل، خودکشی، رفتارهای جنسی خارج از ازدواج، حوادث رانندگی، تخریب اموال عمومی و مصرف مواد مخدر، از جمله رفتارهایی هستند که بروز هر یک از آن‌ها در فرد، پیش‌بینی‌کننده قوی سایر رفتارهای مشابه است. یعنی با درگیری در هر یک از این رفتارها، مانند مصرف مواد مخدر، احتمال ارتکاب سایر رفتارهای پرخطر نیز افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، این یافته نشان می‌دهد که انجام یک رفتار پرخطر راه را برای انجام سایر رفتارهای خطرناک هموار می‌کند. لذا خانواده و یا مدرسه هیچ‌یک به تنهایی نمی‌توانند مانع از بروز رفتارهای پرخطر و یا کنترل آن‌ها در نوجوانان شوند؛ بلکه نیازمند همکاری، مشارکت و هماهنگی با یکدیگر هستند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش و پرورش و معلمان در کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان انجام شد. به نظر می‌رسید که دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه بیشتر از دانش‌آموزان دختر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. نتایج آزمون t نشان داد که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. به این معنی که آسیب‌های رفتاری - اجتماعی در پسران بیشتر از دختران مشاهده می‌شود. این یافته هم‌سو با یافته‌های تحقیقات حسنی (۱۳۷۹)، سخاوت (۱۳۸۱)، آزاد (۱۳۸۸)، و طباطبایی و آتش نفیس (۱۳۹۰) است.

## منابع

۱. آزاد آبی بگلو، رسول (۱۳۸۸). «بررسی ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان اردبیل و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور استان تهران. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۲. احمدی، حبیب؛ خواجه‌نوری، بیژن؛ موسوی، مجید (۱۳۸۸). «عوامل مرتبط با بزهکاری دانش‌آموزان دبیرستانی». فصل‌نامه رفاه اجتماعی. شماره ۹.
۳. خسرو، رشید (۱۳۹۴). «رفتارهای پرخطر بین دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر شهر تهران». نشریه رفاه اجتماعی. دوره ۱۵. شماره ۵۷.
۴. سخاوت، جعفر (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان». مجله جامعه‌شناسی ایران. تابستان ۱۳۸۱. دوره ۴. مرکز تحقیقات سوءمصرف و وابستگی به مواد. دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی. مؤسسه داریوش.
۵. طباطبایی، سیدموسی و آتش‌نفس، الهه (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مستعدکننده و بازدارنده آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان». رشد مشاور مدرسه. دوره ششم. شماره ۴.
۶. گلچین، مسعود (۱۳۸۵). «انحرافات اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها». نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۸. پاییز.
۷. گلزاری، محمود (۱۳۸۶). بررسی میزان آگاهی دانشجویان شاهد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهر تهران از مهارت‌های زندگی. معاونت پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران. تهران.
8. Botvin GT, Griffin KW, Diaz T, Scheier LM, Williams C, Epstein JA. (2000). Preventing illicit drugs use in adolescents: Long-term follow-up data from a randomized control trail of a school population. *Addictive Behaviors*: 25 (5), 769-774.
9. Botvin. G. J. Kantor. L.W. (2000). preventing alcohol and tobacco use through life skills training. *Journal of The National Institute on Alcohol Abuse And Alcoholism*. alcohol research & health, 24(4), 250-257.
10. Goldstein, A.L., Walton, M.A., Cunningham, R. M., Trowbridge, M. J., & Maio, R. F. (2007). Violence and substance use as risk factors for depressive symptoms among adolescents in an urban emergency department. *Journal of Adolescent Health*, 40, 276-279.
11. Jeynes, W. H. (2002). The relationship between the consumption of various drugs by adolescents and their academic achievement. *American Journal of Drug and Alcohol Abuse*, 28(1), 15-35.
12. Smith, E. A. Evaluation of life skills training and fased life skills training in a ravel. 2004.
13. Tygart, C. E (1992): "Do public School Increase Juvenile Delinquency?", *Journal of Urban Education*, 26: 359-370.

و بین فردی آن‌ها را در رسیدن به هدف‌ها و تأمین نیازهایشان تقویت می‌کند. همچنین، آن‌ها را با نگرش‌های متفاوت و ناهم‌ساز با نگرش‌های خود مواجهه می‌سازد تا دانش‌آموزان در نگرش‌های خود تجدیدنظر و نگرش‌های نادرست خود را اصلاح کنند.

همچنین براساس یافته‌های به دست آمده از نمونه مورد بررسی مشخص شد که نظارت در مدرسه در کنترل رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این یافته همسو با یافته‌های تحقیقات **گازمن و بوش (۲۰۰۷)**، **فریک (۱۹۹۳)**، **آماتوکیت (۱۹۹۱)** و **عیسی مراد (۱۳۹۰)** و منطبق با «نظریه هیرشی» است. دانش‌آموزانی که تعهد و روابط محکمی با والدین و مدرسه دارند، تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند. آسیب‌های اجتماعی در مدرسه هنگامی به وجود می‌آیند که تعهد دانش‌آموز به مدرسه ضعیف باشد و یا از بین برود. نبود تأیید اجتماعی و ایجاد احساس گناه در دانش‌آموزان توسط عوامل اجرایی مدرسه، ارتکاب رفتار پرخطر و مخاطره‌آمیز توسط آنان را کاهش می‌دهد.

در مجموع می‌توان گفت آسیب‌های اجتماعی و رفتارهای مخاطره‌آمیز در میان دانش‌آموزان پسر بیشتر از دختران است و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، از جمله اجرای طرح مدرسه‌های مراقب و آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه، در کاهش آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر بوده است.

## پیشنهادها

- از آنجا که آسیب‌های اجتماعی بین دانش‌آموزان پسر بیش از دختران شیوع دارد، لذا برنامه‌هایی متناسب با نوع و گستره شیوع آسیب‌ها و احیا و فعال‌تر و توانمندتر ساختن مراکز مشاوره و راهنمایی دانش‌آموزان، به ویژه برای دوره دوم متوسطه و هنرستان‌های پسرانه تدوین شوند.
- کارگروه ویژه و تخصصی «کمیتت پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و سوءمصرف مواد» در اداره‌های آموزش و پرورش و مدرسه‌ها تشکیل و تقویت شود.
- مدیران و معلمان مدرسه‌ها، در جلسات انجمن اولیا و مربیان و یا دیگر فرصت‌هایی که برای گفت‌وگو با خانواده‌ها و نیز نهادها و معتمدان محلی دارند، زمینه‌ای برای حمایت‌جویی به منظور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان فراهم آورند.
- معلمان و دبیران در جلسات گروه‌های درسی و جلسات شوراهای معلمان در طول سال به بحث آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی پیش روی دانش‌آموزان بپردازند و اقدامات انجام یافته را در صورت جلسه‌ها قید کنند.
- معلمان حالات رفتاری دانش‌آموزان را در کلاس درس رصد کنند و دانش‌آموزی را که گوشه‌گیر یا دچار تغییرات خلقی است، به مدیر مدرسه معرفی کنند. توصیه این است به معلمان آموزش دهیم که علائم خطرپذیری را در دانش‌آموزان بشناسند و به مربی پرورشی، مدیر مدرسه یا والدین گزارش دهند تا اقدامات تکمیلی برای دانش‌آموزان صورت بگیرد.